

دوره هخامنشیان

هخامنشیان از پارسیان بشمار می روند .
پارسیان مردمانی آریایی نژاد بودند که تاریخ آمدن ایشان به ایران معلوم نیست. در کتیبه های آشوری از سده ی نهم پیش از میلاد آمده است . از همان تاریخ آنان در نامیه ی انشان که در مشرق شوشتر و موالی کارون واقع بود دولت کوچکی تشکیل دادند که در ابتدا از دولت ماد اطاعت می کردند . جد ایشان هخامنش همه ی قبیله های پارسی را زیر فرمان خود در آورد .



تمدن و فرهنگ هخامنشی

شاه : این نام که از سه هزار سال پیش در زبانهای ایرانی رواج دارد ، از پارسی باستان گرفته شده است که پس از تحولات تاریخی بسیار به صورت « شاه » در آمده است .

چون پس از اتحاد ماد و پارس بدست

کوروش بزرگ، (550 ق . م) اصطلاح شاهنشاه بکار رفت . این بدان جهت

بود که مردم آریایی و غیر آریایی فلات ایران و پیرامون آن به کشور

هخامنشی پیوستند و فصوصا پادشاهان و شهریاران آنها نیز برتری کوروش را پذیرفتند .

<http://mvmgroupp.blogspot.com>

شاهنشاه در پارسی باستان فشایه ثیه یعنی شاه شاهان آمده است .

لباس ویژه شاهنشاه

شاهنشاه در هنگام صلح جامعه ای بلند از دیبای ارغوانی که آستینهای فراخ داشت و در زیر آن پیراهن بلندی می پوشید که تا زانو می رسد و مغزی سفید داشت و کمر بندی روی آن می بست . کفش شاه نیز ، زرین و پاشنه دار و نوک تیز بود . یونانیان تاج شاهنشاهیان هفامنشی راتیار و یا گیسدریس خوانده اند .

شاه ، ریش دراز و موهای مجعد داشت و بر تفت زرین می نشست و عصای زرین به دست می گرفت .

فرمانها و نامه های سلطنتی به مهر شاه می رسید و نسخه ای از آن در دفاتر شاهی نگهداری می شد .

کشورداری

داریوش پس از اینکه بر اوضاع کشور ایران مسلط شد، ایران را به سی و سه فشتره یا استان تقسیم کرد و اداره آنها را به افرادی که مورد اعتماد شاهنشاه بودند واگذار نمود .

از زمان جانشینان فشایار شاه که دولت هفامنشی روی به ضعف نهاد استناداران یک نوع خود مختاری پیدا کرده متی ریاست سپاه محلی را که بر عهده سرداری به نام کارانا بود نیز بدست گرفتند .

اقتیارات شاهان یا امیران محلی با قوت یا ضعف حکومت مرکزی تغییر می

<http://mvmgroup.blogspot.com>

کرد . ضرب سکه طلا از مختصات شاهنشاه بود . اما استانداران می توانستند گاهی سکه هایی از نقره یا مس بزنند .
در اوایل دوره هخامنشی سالی دوبار بازرسان شاهنشاهی که پیشم و گوش شاه خوانده می شدند به استانها گسیل می گشت .



سپاه ایران

سپاه جاویدان

پیش از داریوش ایران سپاه منظمی نداشت و ارتش آن بصورت افراد غیر مرفه ای اداره می شد . داریوش به تشکیل سپاه جاودان پرداخت که شمار ایشان به ده هزار تن می رسید . در هر شهر پادگانی وجود داشت که در ارگ آن شهر جای داشتند و فرمانده آن دژها را ارگبد می گفتند .

لشکر ایران به دو دسته پیاده و سواره تقسیم می شدند و مسلح به تیر و کمان و نیزه و شمشیر و زوبین و خنجر و کمند و سپر و کلاهخود و زره بودند . اسب و فیل و شتر را هم زمان در جنگ بکار می بردند .

ایرانیان در تیر اندازی مهارت داشتند چنانکه هرودت می نویسد پارسیان از کودکی به فرزندان خود سه چیز می آموختند که :

• راست بگویند

<http://mvmgroup.blogspot.com>

- راست بر اسب سوار شوند
- راست تیر بیندازند .

از زمان داریوش دوم ، جنگاوران یونانی نیز بعنوان مزدور در ارتش ایران راه یافتند و همین امر باعث تن پروری ایرانیان و انمطاط ارتش ایشان گردید .

در ایران از زمان کوروش گردونه های جنگی نیز به کار می رفت . پرفهای این گردونه ها غالباً مجهز به داسهای برنده بودند .



نیروی دریایی :

در زمان هخامنشی ایران

به دستگیری رعایای

فینیقی و یونانی خود

دارای نیروی دریایی مهمی گردید . این نیرو ، ایران مرکب از سه گونه کشتی بود :

اول - کشتیهای جنگی که پاروزنان آن در سه ردیف یکی بالای دیگری قرار می گرفتند .

دوم - کشتیهای دراز که برای حمل و نقل اسبها و سواره نظام بکار می رفت .

سوم - کشتیهای کوچکتر که برای حمل و نقل خوار و بار استعمال می شد .

میراث تمدنهای گذشته

دولت هخامنشی وارث تمدنهای قدیم پیش از خود بود و همهٔ علوم و معارف ملل پیش ، مانند : آشور و بابل و عیلام ، در بین اهل آن ، در آن کشور پهناور رواج داشت .

بزرگترین شهر علمی و دانشگاهی آن ، امپراتوری بابل بود . در این شهر تعلیم معارف قدیم ، به دست کاهنان بابلی و مغان بود . آثار و تألیفات قدیم را به زبانهای اکدی و سومری و عیلامی و آرامی می خواندند .

ستاره شناسان و ریاضیدانان بابلی در عصر خود مشهور آفاق بودند و علوم خود را همراه با سمر و جادو به شاگردان خود می آموختند . به طور کلی هخامنشیان در طول دوران حکومت خود شش پایتخت داشته اند که عبارتند از : انشان ، هگمتانه ، بابل ، شوش ، پاسارگاد و تخت جمشید .

دو پایتخت پاسارگاد و تخت جمشید جدیدالتأسیس بودند و توسط هخامنشیان بنا شدند. پاسارگاد توسط کوروش کبیر و تخت جمشید توسط داریوش هخامنشی امداد شد .

بنای پاسارگاد توسط کوروش

مکانی که کوروش بزرگ در پاسارگاد آغاز به ساختن آن کرد ، در مقایسه با قلعه های کوهستانی مادی ، تفاوت داشت ، اما از بعد فقدان نظام و جوهره شهری با آنها مشترک بود .

<http://mvmgroup.blogspot.com>

پاسارگاد مجموعه ای است از کافها ، عمارات دولتی ، آثار مذهبی ، یک صدفه
دژ مانند و گور کوروش ، که جدا از یکدیگر در دشت مرغاب واقع اند و
قسمتهایی از آن نیز به کمک مجاری آبیاری به چمنزار و باغ بدل شده است .

بنای تفت جمشید توسط داریوش

داریوش اول نیز به ایجاد ساقتمانهایی در پاسارگاد ادامه داد لیکن اقامتگاه
شاهی خود را به ۸۰ کیلومتری جنوب پاسارگاد ، یعنی جلگه ماصلفیتر و
زیبای مرو دشت ، منتقل کرد که قبلاً شهر انشان در آنجا رونق یافته بود. گرچه
این اقامتگاه شاهی که تفت جمشید یا پرسپولیس نام گرفته دارای طرمی
بسیار متمرکزتر است ، اما چندان بی شباهت به طرح پاسارگاد نیست .

ساختار و نقشه تفت جمشید

صفه تفت جمشید را کافها ، تالارهای بارعام ، فزانه و پلکان با شکوه (رو بازی
اشغال می کرد و حفاظت آن را استعمکاماتی از فشت فام بر ستیخ کوه مجاور
، به نام کوه رحمت ، تأمین می نمود .

نگاهی به پایتخت ها هفامنشی

شوش نیز که ظاهراً نخستین اقامتگاه داریوش بوده است دارای وضعیت
مشابهی است. بنابراین شوش ، تفت جمشید و پاسارگاد ، سه پایتخت
شاهنشاهی که نسبتاً به فوبی بررسی شده اند، و همچنین اکباتان چهارمین
پایتخت آنان که کمتر شناخته شده است ، باید شهرهای مسکونی
فرمانروایان بوده باشند، تا اقامتگاههایی که جنبه شهریت داشته اند و نباید
آنها را با شهرهای امروزی یا قرون افیر مقایسه کرد .

پایتخت سلسله های بعدی

<http://mvmgroup.blogspot.com>

در حدود ۳۰۰ ق . م. شالوده ، سلوکیه پایتخت سلوکیان ، در غرب رود دجله و در نامیه مدائن ریخته شد . در نامیه مدائن شهرهای تیسفون در شرق دجله ، و سلوکیه و وهاردشیر در غرب دجله ، مستقر بوده‌اند ، که البته موقعیت مکانی دقیق آنها روشن نیست .

البته تیسفون شهری پارتی (اشکانی) و وهاردشیر شهری ساسانی است که در طول زمان در نامیه مدائن و یا تیسفون شکل گرفته و در مواردی از مکانی به مکان دیگر جا به جا شده اند . در واقع در این منطقه یک مجموعه شهری وجود داشته است (هوف ، نظری اجمالی به پایتختهای قبل از اسلام) .